

قرآن، «عهد الهی» است که خداوند، خود نگاهبان آن بود تا حفظ شود و از میان نرود و به دست نسلهای هر عصر برسد، تا آن را بخوانند و بشنوند، تا دوره رسالت را در درون خود بازآفرینی کنند و بعثت مدام در خود و جامعه بیافرینند. این مشعل ماندگار، در این عصر و زمان، به امانت در اختیار ماست. با شعله آن، چونان روزگار عصر نزول، می‌توان جان و جهانی را بر آشفته، خراب کرد و دوباره ساخت، در حریم آن کانون فروغ گستر، جهل درون و نظام جاهلیت برون را به «عقل سرخ» کشاند و «خردورزی» را با «ایمان» و «ایثار» و «حماسه» در آمیخت و «مدینه فاضله» را از «کتاب» در آورد و بر «کتابه وحی» بنا نهاد.

این امید و آرمان، دست نیافتنی نیست. سلوک جانهای مستعد ماده‌المواد این رؤیای بزرگ و «حکومت دینی» صورت آفرین خواهد بود. شور و شوق معرفتی - ایمانی سالکان معارف قرآنی، چندان بوده و هست که این باور را به بار می‌آورد که نسل حاضر، دغدغه مندترین نسل مسلمان تاریخ اسلامی است که در فریادهای کخیب و نواهای دلفریب، هم چنان به نوای قرآن در و جان سپرده است .

هم چنین «نظام اسلامی» که قرآن را منشور مکتوب حکومت می‌شناسد، باورمندانه به گسترش و تعمیق سطح ارتباط با قرآن پرداخته و در تلاشهای بایسته قرآنی، سرمایه گذاری های اساسی را انجام داده است . این نوشتار، به اجمال و اختصار از توفیقات دو دهه و نیم فعالیت و تکاپوی قرآنی در جامعه اسلامی ایران، رخ می‌نمایاند تا در مقایسه ای واقع نگر، بتوان این دوره کوتاه را با سده های متوالی سنجید، به تطبیق پرداخت و داوری کرد .

مطالعات قرآنی

پژوهه های قرآنی، جایگاهی سترگ و ارجمند در میان فراورده های علمی کشور دارند . سهم فزاینده مطالعات قرآن پژوهی، چشم اندازی پر رونق را در قرارداد تولید معارف و حیانی ترسیم می کند .

گوشه ای از این گام های بلند را در عناوین زیر، می توان نگرست:

1. پایان نامه های قرآنی: افزایش رشته ها و گرایش های قرآنی، تأسیس دانشکده های قرآنی، توجه به موضوعات میان رشته‌ای قرآنی در دانشهایی چون اقتصاد، حقوق، سیاست، جامعه شناسی و ... حجمی در خور اعتنا از پایان نامه های قرآنی به ارمغان آورده اند. فعالیت بیش از ۳۵ مرکز آموزش قرآنی در کشور به تدوین دو هزار پایان نامه قرآنی انجامیده است. این تعداد، جدا از موضوعات میان رشته ای است که در مراکز آموزشی دیگر سامان یافته و با مباحث قرآنی، ارتباط معنایی و مضمونی پیوسته‌ای یافته‌اند. (ر.ک: کارنامه قرآنی جمهوری اسلامی ایران).

2. موضوعات نوین قرآنی: در پژوهشهای قرآنی، قلمروهای جدیدی مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته است. به عنوان نمونه، مناسبات معارف وحی و علوم انسانی، از شاخه مباحثی است که پژوهندگان قرآنی، در دو دهه اخیر بدان توجه داشته‌اند. از میان دو هزار پایان نامه قرآنی (در ۲۵ سال اخیر) ۱۴۰ عنوان، در این قلمرو جای یافته‌اند. این حجم، که حدود ۱۵ درصد از

حجم کل پایان‌نامه‌ها را تشکیل می‌دهد، نشانگر علایق نوحاسته‌ای است که به گونه‌ای روز افزون، به آفرینشگران و جویندگان آن افزوده می‌شود و این امید را بر می‌آورد که در آینده‌ای نه چندان دیر هنگام، آفاق و چشم اندازهایی و امید بخش از مناسبات و مفاهیم وحیانی با داده‌های بشری ترسیم یابد.

3. مطالعات روش شناختی: مطالعات تفسیری قرآنی از روشهای کلاسیک برخوردار است. این شیوه‌ها، در عین اصالت و ضرورت ارجاع، نیازمند تکمیل و بازنگری است.

در دو دهه گذشته (بویژه سالیان اخیر) (مطالعات روشی، آغاز گردیده و دورنمایی از جهش‌های پژوهشی را می‌نمایاند. مطالعات درون متنی و برون نگر، تطبیقی یا انتقادی براساس داده‌های نو معرفت‌شناسی متون دینی و مباحثی دیگر رویکردهای ارجمندی است که می‌تواند دانش تفسیر را از غنای روش‌شناسی بهره‌مند سازد.

4. مطالعات موسوعه‌ای: گسترش قرآن‌پژوهی و نیز رونق فعالیت‌های دایره‌المعارفی در کشور پژوهش‌هایی از گونه دانشنامه نویسی و دایره‌المعارف‌نگاری را در ساخت قرآن گسترش داده‌اند. هم‌اینک نمونه‌هایی گوناگون از این گونه آثار، نشر یافته و یا در تدارک انتشارند.

بدون تردید، منشورات دایره‌المعارفی، اندوخته‌های علمی موجود را می‌نمایند، مانده‌ای آماده را برای پژوهشگران و علاقمندان سامان می‌بخشد و راه را برای جهش‌های مطالعاتی آینده هموار می‌سازد. هم‌چنین این گونه منشورات، به ارتقای سواد نیمه تخصصی یاری می‌رساند و اطلاعات مخاطبان را در زمینه‌های مورد علاقه و سلیقه ایشان افزایش می‌بخشد.

5. تأسیس زیرساخت‌های پژوهشی: انقلابها و دگرسازی‌های علمی، از دو منظر شکل‌گیری زیرساخت‌های پژوهشی و تولید منابع انسانی، قابل پیش‌بینی است. اینک در چشم‌انداز آینده قرآن‌پژوهی، می‌توان شاهد شکل‌گیری برخی از زیرساخت‌های قرآن‌پژوهی بود. در کشور، کتابخانه‌های تخصصی معتبر در قلمرو علوم و معارف قرآنی پدید آمده‌اند که گرچه شاید در گستره جغرافیایی و نیز کمیت خدمات دهی جامع کافی نباشند، اما در مجموع نشانگر دو دهه سرمایه‌گذاری انقلاب اسلامی ایران در گردآوری منابع قرآنی است. به عنوان نمونه کتابخانه مرکز فرهنگ و معارف قرآن (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) (با بیش از ۲۵ هزار عنوان کتاب قرآنی) (و از جمله حدود ۳۰۰ عنوان تفسیر کامل قرآن) (نمادی از این سرمایه‌گذاری ارزشمند است.

هم‌چنین انبوه نرم‌افزارهای قرآنی، راه را برای مطالعات قرآنی هموارتر ساخته‌اند.

همگان به خاطر دارند که در چند دهه پیش، تألیف و عرضه اثری چون «المعجم المفهرس» بر عرصه پژوهش‌های قرآنی اثر گذارد و در قلمروهای گوناگون چون تفسیر قرآن، واژه‌شناسی قرآنی، اعجاز لفظی و ... مطالعات را سریع‌تر و اطمینان‌بخش‌تر است. اینک ده‌ها نرم‌افزار لفظی - محتوایی در علوم و معارف قرآن وجود دارد که قرآن‌پژوه، با سهولت می‌تواند از مقدمات پژوهش‌گذر کند و فرصت اصلی را به تأملات علمی اختصاص دهد.

شکل‌گیری زیرساخت‌های پژوهشی، محدود به موارد یاد شده نمی‌ماند. کتاب‌شناختی‌های قرآنی، فرضیه‌های ثابت نمایشگاه‌های قرآنی، تأسیس مکانهایی چونان موزه قرآن و ... نمونه‌هایی دیگر از شکل‌یابی مقدمات سخت‌افزاری تولید دانش در قلمرو معارف وحیانی را نشان می‌دهد.

6. نشریات و مقالات قرآنی: در دو دهه و نیم فعالیت قرآنی، تکاپوی جدی در انتشار فصلنامه‌های علمی و نشریات ترویجی قرآنی صورت گرفت. تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، نشریه مستقل قرآنی نشر نیافته بود.

اما در پرتو انقلاب اسلامی، نشریات قرآنی چندی نشر یافته اند. برخی از این نشریات (چونان همین نشریه) بیش از یک دهه تداوم انتشار یافته‌اند. فعالان عرصه پژوهش و نشر، بدرستی می‌دانند که انتشار یک مجله در دوره‌ای طولانی و در موضوعی خاص، نیاز به فرصت‌گذارِ نیروگزینی، علایق عمیق و ... دارد.

انتشار نشریات سودمند و متنوع، علاوه بر ارتقای سطح بینش و معرفت در معارف و حیانی، به شناسایی تربیت منابع انسانی در قلمرو قرآن پژوهی انجامید. اینک به برکت انتشار نشریات قرآنی، صدها نویسنده به تولید مقالات و آثار علمی قرآنی می‌پردازند.

ترجمه‌های قرآن

باور به اعجاز بیانی قرآن، پرسشهایی پر دامنه‌ای را در قلمرو ترجمه‌پذیری این کتاب آسمانی پدید آورد. در میان فرق اسلامی، شیعیان امامی، با نگرشی ایجابی به مقوله ترجمه‌پذیری قرآن نگرستند و چهره‌های شاخص این مکتب، از ترجمه‌پذیری قرآن، دفاع کردند. این نگرش، موجب شد که با رواج تشیع در ایران، ترجمه‌های متعددی از قرآن کریم به زبان پارسی تدوین یابد. به گونه‌ای که در اثر منتشر شده با عنوان فرهنگنامه قرآنی (به اهتمام گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی) معادل‌های فارسی واژه‌های قرآن براساس ۱۴۲ ترجمه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی گردآوری و تنظیم الفبایی شده‌اند.

اما این رویکرد، چندان موجب رواج ترجمه‌های قرآن در میان پارسی‌زبانان نشد. شیفتگی به تلاوت متن، بی‌سواد و کم‌سواد توده‌های مردم و عوامل دیگر موجب گردید که ترجمه‌های قرآن، چندان متنوع نباشند و در مخاطب‌یابی گسترده مناسب را نیابند.

در چند دهه اخیر، با گسترش سواد عمومی و نیازهای نو دینی، مخاطبان ترجمه‌های قرآن افزون شده‌اند، اما این اقبال، تا قبل از انقلاب اسلامی به تنوع و تکثر مناسب در قلمرو ترجمه قرآن، نینجامیده بود. ترجمه‌های انگشت‌شمار، از یک سو امکان داوری تطبیقی و انتقادی ترجمه‌های قرآنی را محدود ساخته بود و از سوی دیگر موجب روی گردانی (و یا دست کم بی‌اعتنایی) سلیقه‌هایی شده بود که از قرآن‌های مترجم و سبک نگارش آن دلزدگی یافته و ارتباط معرفتی وجودی با آن نیافته بودند. پس از انقلاب اسلامی ایران، حدود ۳۰ ترجمه قرآن به زبان پارسی تدوین و نشر یافت. این مجموعه گران سنگ، فرصت بی‌مانندی را برای زبان ملی و قرآن پژوهی پدید آورده است تا در آینده‌ای خجسته و مبارک، «عصر جهش بزرگ» در برگردان کتاب آسمانی به زبان فارسی نمایان گردد این اتفاق نادر، در پرتو تلاش قرآن پژوهان ارجمند و ادیبان ناموری پدیدار شد که کوله بار تجربه عمر را با ممارست سالیان طولانی در ساحت ترجمه قرآن همراه ساختند و نمادی رفیع از تکاپوی بشری در فهم و عرضه زبانی کتاب آسمانی نمایانند.

حضور نام‌آوران چونان: آیات و اساتید: ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی، ابوالقاسم امامی، محمد مهدی فولادوند، بهاء الدین خرمشاهی، محمد باقر بهبودی، جلال الدین مجتبوی، عبدالمحمد آیتی، عبدالمجید معادیخواه، جلال الدین فارسی، علی موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده، محمد خواجه‌جوی، کاظم پور جوادی و ... نشانه‌ای از حضوری بی‌سابقه و متمایز از بزرگان دین و ادب کشور در یک مساحت و در فرصتی محدود و محدود است.

این تجربه بی مانند، مثال زدنی و آموختنی است.

اینکه این مجموعه گران سنگ و ارزشمند، چشم اندازی از تحولات ناپیدا را در عرصه ترجمه وحی نوید می دهد. چه اینکه تحولات معرفتی و ساختاری، پس از دوره های بلوغ رخ می دهند، و در شرایط جاری به اطمینان می توان ادعا داشت که دوره ای از تکثر و تنوع سبک ها در ترجمه های موجود آزموده شده اند، قوتها و ضعف ها خود را نمایانده اند و راه را برای پویایی متفاوت باز گشوده اند.

قرآن و رسانه

رسانه های صوتی - تصویری، رقیب توانمند رسانه مکتوب اند. معانی ژرف و شگرف، در صورتی گستره مخاطب می یابند که در چنبره رسانه مکتوب محدود نمانند و امکان تبدیل به رسانه رقیب و بدیل را بیابند.

یکی از کارهای سخت و دشوار، در ارتقای گستره پیام قرآن، ظرفیت سازی برای برخورداری از رسانه های صوتی - تصویری است. چه اینکه هنر قرآنی، در بستر عرصه کتابت شکل گرفت و در این میدان چندان دامنه یافت که هیچ اثر مکتوبی چونان قرآن، قالبهای گوناگون را پذیرا نشد، اما انس و الفت با هنر مکتوب، می تواند مانع جدی در ورود به قالبهای نو رسانه ای باشد و ظرفیت بیانی قرآنی را در محدوده توانایی های رسانه های مکتوب متوقف سازد.

با تمامی این دغدغه ها، جوانه های مثبت از ورود به عرصه رسانه های جدید رخ نموده اند. نخست با تأسیس شبکه رادیو قرآن بود که از ۲۲ بهمن ۱۳۶۲ آغاز گردید و در آغاز با ۳ ساعت برنامه و اینکه به صورت شبکه ای مستقل و شبانه روزی به ارائه برنامه می پردازد.

در مراحل نخستین فعالیت شبکه رادیویی قرآن، تردیدهایی در میزان استقبال، تولید برنامه و ... وجود داشت. برخی از عناصر حرفه ای رسانه صوتی، چندان به آینده این شبکه خوش بین نبودند، اما اینکه با وجود افزایش ساعات، به یکی از شبکه های پر رنق رسانه صوتی تبدیل شده است.

این شبکه صوتی، گرچه در دوره تجربه آموزی در عرصه رسانه ای است، اما با تکاپو در دو دهه توانسته است خطوط اتصال میان ظرفیت های قرآنی و قالب رادیویی پیدا کند و از طریق تلاوت قاریان، پخش تلاوت مجلسی، ابتهاج و تواشیح، مناجات قرآنی اخبار قرآنی، مسابقات و نمایشنامه های قرآنی و ... ورود و حضور قرآن را در عرصه رسانه ای موجه و منطقی بنمایاند. جسارت دیگر، در تولید برنامه های قرآنی در عرصه تصویری رخ نمود. راه اندازی شبکه قرآنی سیما در ۱۳۷۸ تجربه جدیدی را باز نمود. این تجربه، با دشواری و ناهمواری بیش از رسانه صوتی رو به روست و هنوز راه طولانی را تا قالب تعریف شده در هنر رسانه ای تصویری داشته و دارد، اما در مجموع، در صورت تداوم و افزایش کیفیت، چشم اندازی را برای رسانه تصویری قرآنی در جهان اسلام پدید خواهد آورد.

در چند سال اخیر، حضور قرآن در دنیای مجازی (اینترنت) امیدهای نوی را پدید آورده است. دنیای مجازی با قابلیت های ترکیبی رسانه های مکتوب، صوتی و تصویری می تواند فضاهای جدیدی را در ارتباط مخاطبان با لایه های گوناگون متنی و محتوای قرآن سامان بخشد و توانمندی های این دنیای پرشتاب را در خدمت منطق وحی قرار دهد.

در این فرصت کوتاه، سایت های متعددی در محور قرآن در دنیای مجازی، ظهور و بروز یافته و مخاطبان در خور یافته اند. هم

چنین انبوه سایت های اسلامی راه اندازی شده اند. که به موضوعات قرآنی پرداخته و این مقولات را، محور اصلی فعالیت خویش قرار داده اند. کاربران اینترنت، با علایق و نیازهای گوناگون خود می توانند به این سایت ها مراجعه کنند و از هنرهای قرآنی، تلاوت و ترتیل قرآن و مفاهیم و موضوعات قرآنی بهره برند.

هنر قرآنی

در مسیحیت و پاره ای دیگر از ادیان، اولیاء و قدیسان، موضوع هنر دینی شدند، و هنرمندان ذوق هنری و ارادت دینی را در آن ساحت باز نمایاندند و کلیساها و معابد را از مجسمه ها و نقاشی های بزرگان دین سرشار ساختند. اما گونه نگرش مسلمانان به نقاشی و هنرهای تجسمی، موجب گردید که هنر اسلامی از تصویرگری به معنای رو آورد تا در این رویکرد، قرآن به عنوان راز مایه معانی بلند، کانون توجه هنرمندان اسلامی شود و بخش گسترده ای از این هنر، در خط اسلامی بویژه در کتابت قرآنی جلوه یابد.

اینک با گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی، هنر معناگرایانه قرآنی، ابعاد، لایه ها و دامنه های نوی یافته است. کتابت قرآن، هم چنان توسط خطاطان برجسته کشور، قالبها و شیوه های جدید را می آزماید و بر تجربه های نگارش قرآنی می افزاید. در سبک های گوناگون از جمله خط ثلث، نسخ، نستعلیق و ... جدیدترین کوشش های هنری خوشنویسی بر تارک هنر معاصر می درخشند.

علاوه بر نگارش مرسوم قرآن، قالبهایی دیگر نیز رواج و گسترش یافته اند از جمله: آرم ها و نشانه های قرآنی. تابلوهای قرآنی، آثار هنری قرآن بر روی اشیاء (چوب، فلز، فرش، شیشه و ...) و مواردی دیگر. عرصه دیگر، که در دهه اخیر آغاز گردیده و شتاب مبارک داشته است، تبدیل معارف و مضامین قرآنی به داستان، فیلمنامه، فیلم و نمایشنامه است. از داستان «خفتگان بیدار» (که به سرگذشت اصحاب کهف می پرداخت و در مسابقه کتاب سال داستانی قرآنی جایزه برتر را به خود اختصاص داد) فیلمنامه ای تهیه شد و به صورت فیلم سینمایی و سریال (با نام مردان آنجلس) ساخته و پخش گردید. این موجب در قالب انیمیشن و فیلم های کوتاه نیز پیگیری شد و اینک نمونه هایی در سطوح گوناگون عرصه شده و یا در مراحل تهیه است.

حفظ و تلاوت قرآن

جامعه اسلامی ایران، «قرآن آشنا» بود. اما پدیده انقلاب اسلامی، به ارتقای انس قرآنی جامعه ایرانی انجامید. نخست آنکه، «حفظ قرآن» از مواردی نایاب و یا کمیاب، به مقوله ای گسترده و فزاینده تبدیل گشت. هزاران حافظ قرآن در کشور پدید آمدند که گلستان قرآن را در جان نشانند و از عطر خاطر، دامنه زیست شان را بهره مند ساختند.

نکته دیگر، گسترش شیفتگی به حفظ قرآن در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی است. نورانیت کلام الهی، دگردیسی های مبارک دانشی و روحانی را در نسل آینده و سازنده کشور پدید می آورد. چه اینکه در انس و ممارست با آیات خداوند، انوار درخشان بر باطن و ظاهر بر می تابد و ذهن و جان را انیس و منوس ملکوت هستی می سازد. این اتصال وجودی، در شعاع فردیت محدود نمی ماند، تجربه وحی نخستین باز تولید می شود و خانواده قبیله، جامعه و جهان را در بر می گیرد و در آسمان

غبارآلود شهر جاهلی، ستارگان راهنما بر می فروزد و بیداردلان را به تکاپور و می دارد .

نکته سوم، گسترش هنر قرائت و تلاوت قرآنی است. این ترنم، بخشی از هنر دینی است که با آهنگ وحی پدید آمد و در دامنه چکاد عظمت و اعجاز بیانی قرآن، کاشانه گرفت. همان آوای دلبر و دلنشین، که سحر و افسوس اش خواندند و چونان مدهوشان در کند موسیقای آن، زمین گیر شدند. آن ترنم بهشتی (چونان معانی و مفاهیم ملکوتی اش) به ودیعت و امانت در دسترس است. استعداد خلاقیت، ذوق و ابتکار لطف خداداد بشری خواهد توانست گوشه ها و پرده هایی از آن جمال جمیل را بنمایاند و بر نسل مهجور از آوای نسختین، زبان آشنا را بشناساند و دلباخته و اسیر خود سازد .

اینک، با طلوع انقلاب اسلامی ایران و افزایش و گسترش جلسات و مسابقات قرآنی، ترنم قرآنی رقیب جدی «آوهای شیطانی» گشت . در عصر رونق موسیقای دجالی، می توان جدال و هموردی دو گونه موسیقای اجتماعی را نظاره کرد. از یک سو موسیقایی که به لهو و لعب مترنم است، از دم شیطان بر می خیزد و بر هیمة دوزخ می افزاید و از سوی دیگر آوایی که زبان مرغانی بهشتی است، آدم زمینی را به بهشت اسمانی می برد و در جان و خاطرش، یاد اقامت پدری و ابدی را در جهان امن و آرامش زنده می سازد .

مخاطبان عمومی

نخبه گرایی در عرضه معارف قرآنی، از نقدهای اساسی بود که مصلحان جهان اسلام، شکوای آن را داشتند و آن را مانع عمده در فرایند نوسازی تمدنی بر شمردند. چه اینکه بخش اصلی مکتوبات و محصولات قرآنی، تأملات و دقتها و حاشیه هایی بود که در درون جامعه نخبگانی تبادل می شد و با زبان تخصصی برای همان گروه مخاطب عرضه می گشت .

واقعیت یاد شده، مخاطب عام را از استفاده معارف قرآن، دور می ساخت و شور و اشتیاق برای معرفت یا بی قرآنی نمی آفریند، زیرا برای ایشان، آبی گوارا از چشمه سار معرف وحی در دسترس نبود. تا ذوقی بیافریند و یا عطش را سیراب سازد.

با گسترش جنبش احیا و اصلاح دینی در جهان اسلام حرکت و شتاب به سوی جبران این کاستی صورت یافت. تولیدات و باز تولیدهایی رخ نمود تا اقبال میانمی و عمومی را به سوی دانش و معارف قرآنی جذب کند و آنان را افزون بر متن وحی، با منطق و پیام قرآن آشنا سازد.

انقلاب اسلامی ایران، که در فضای این جنبش پدید آمد، بخشی از فعالیت فکری را معطوف این نکته ساخت و با استفاده از فضای عمومی و نیز ارتقای سرمایه گذاری، مخاطب عام را مورد توجه قرار داد و در قالب های گوناگون، سهم این گونه مخاطب را در تولیدات قرآنی افزایش داد. اینک پس از دو دهه، صدها اثر را می توان بر شمرد که در قلمروهای قرآن، با نیازهای گروه های گوناگون از مخاطب عام، نگاشته و عرضه شد. و کودکان، نوجوانان، جوانان، زنان، دانشجویان و ... را مخاطب موضوعات و علوم قرآنی ساخته است .

در حوزه کتابهای کودک و نوجوان، ده ها اثر در قالب های داستان، نمایشنامه نویسی و یا با زبان ساده و آسان یاب برای کودکان و نوجوانان با بهره وری از پیام وحی منتشر شده اند. حتی ایده هایی چونان تفسیر قرآنی و یا دائرة المعارف قرآنی برای کودکان و نوجوانان و ... جوانه زدند و آثاری با این عناوین منتشر شده و یا در حال نشرند. مجموع این تحولات، به مرور می تواند رشته ای توانمند در شاخه کتاب کودک و نوجوان پدید آورد و نگاشته های این گروه را در یک تحول مضمون و فرم قرار

دهد .

در قلمروهای غیر حوزه کودکان و نوجوان نیز تلاش های گسترده ای رخ نموده اند. اینک در تمامی زمینه های قرآنی شامل: علوم قرآن، تفسیر ترتیبی قرآن، تفسیر موضوعی تک نگاری های قرآنی، موضوعات میان رشته ای قرآنی و ... آثار متعددی وجود دارند که قابل استفاده برای مخاطب عام اند و تا توش و بهره خویش را از مائده وحی بر گیرند.

قرآن و حوزه های شیعی

مهوریت قرآن در حوزه های شیعی، شکوائیه عام و خاص بود. معلمان حوزه های علمیه، از این وادی به نقد و چالش برخاستند و متفکران اصلاح باور چونان علامه طباطبایی و ... برای رفع این کاستی، به تدریس و گسترش دادن مصادف قرآنی در حوزه های دینی اهتمام ورزیدند .

اینک آن همت ها در پرتو انقلاب اسلامی ایران به بار نشسته و شکوفه های آن را در مزرع سبز حوزه های علمیه می توان به تماشا نشست. در بخش قابل توجهی از فعالیت های پیشین، حضور حوزه و روحانیت مشهود و ملموس است. در مطالعات و پژوهش های قرآنی، نشریات قرآنی، حضور و همکاری رسانه ای و ...

همچنین در درون حوزه ها نیز تحولات چشمگیر رخ نموده اند. در قلمروهای آموزشی، رشته های تحصیلی و یا موضوعات درسی قرآنی جایگاه می یابند. بی تردید بازگشایی رشته های تخصص قرآنی در حوزه ها و نیز رشته ها و گرایش ها قرآنی در دانشگاه های حوزوی، زیر ساختی برای منابع انسانی روحانیت در قلمرو علوم و معارف قرآنی خواهد بود .

هم چنین در حوزه، مؤسسات و مراکز گوناگون پژوهشی فعالیت می کنند که به گونه ای تک ساختی و در قالب فعالیت اصلی، به موضوعات و علوم قرآنی می پردازند. نمونه هایی چونان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ستاد تفسیر قرآن کریم، مرکز ترجمه قرآن به زبان های خارجی و ... از مراکز پژوهشی هستند که به گونه ای متمرکز در حوزه قرآن پژوهی فعالیت می کنند.

مراکز فراوان دیگر در حوزه هستند که در قالب یک محور و یا گروه به فعالیت های قرآن پژوهی می پردازند و تاکنون محصولات علمی نیز دستاوردهای علمی خویش را به بازار فرهنگ ارائه کرده اند. مراکز چونان :موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مؤسسه (اسراء) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه و مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع) و ...

مجموع فعالیت های فوق، این نوید را می دهد که در حوزه های شیعی، فاصله از قرآن کاهش یافته و ارتباط وجودی - معرفتی با این منبع لایزال نمایه تاریخی جدیدی یافته است، رخدادی که می تواند مقدمه گفت و شنود جدید محافل علمی حوزه های شیعی با متفکران جهان اسلام گردد و زبان مشترک تقریب و تعامل را میسرتر سازد .

چشم انداز قرآن پژوهش

فعالیت های جاری (که گوشه هایی از آنها یاد شد) بخشی از ره آورد انقلاب اسلامی ایران است که در فضای عمومی و معارف قرآنی جلوه نمود. آنچه روایت شد، شوق برانگیز و شکرآفرین است، اما راه ناپیموده، بس دراز است و همتی بزرگ را می

طلبید. نیازها و کاستی های فراوان در فرا راه خود را می نمایانند که در این مقاله، فهرست وار به آن اشارت می شود:

1. تفسیر موضوعی، گام های نخستین را می پیماید، تجربه های اولیه، در روش و موضوعات و ... قابل تکمیل، تصحیح و تعمیق اند .

2. شباهت در ارتباط با اصالت قرآن و نیز موضوعات و مفاهیم قرآنی، افزایش یافته و عمق و دامنه های جدیدی را در نوردیده است. رصد بهنگام سؤالات و شباهت و مواجهه ای فعال، منطقی و مناسب با آن وظیفه ای دشوار در قلمرو قرآن پژوهی می آفریند.

3. ضعف ساز و کار اطلاع رسانی و اطلاع یابی مراکز علمی قرآن پژوهی، انجام پروژه های تکراری، عدم استفاده از امکانات و تجارب پیوده شده و ... را در پیامدهای خود داشته و دارند .

4. خلط مقوله هایی چون پژوهش علمی، اطلاع رسانی، فعالیت های ترویجی و ... موجب شده اند که آثار قرآن پژوهش تعریف و مخاطب درست خود را نیابند .

5. پرداختن به مباحث بنیادی - نظری و فاصله یابی از مباحث کاربردی، دغدغه دیگر قرآن پژوهی است .

6. در قلمرو قرآن پژوهی، دانایی به زبان دوم و سوم چندان مورد اهتمام نیست. با آنکه اینک در قلمروهای دیگری چون فلسفه و کلام اسلامی، دانش اجتماعی و سیاسی اسلامی و ... توجه به زبان دوم و سوم رو به گسترش است. این کاستی، موجب ناآشنایی قرآن پژوهان با روش های نوین پژوهش و نیز مطالعات قرآنی و شباهت مطرح در مورد قرآن در مکاتب و ادیان دیگر است .

7. گفت و شنوهای حوزه قرآن پژوهی چندان پر رونق نیست. شیوه هایی چونان کارگاه های پژوهشی، میزگردهای علمی، نقد و مناظره و ... در مباحث قرآنی ظهور و بروز مناسبی ندارند .

8. عدم تعریف پژوهش های مادر و مولد در قلمرو پژوهش و مطالعات قرآنی موجب شده است که سرمایه گذاری در حوزه یاد شده حمایت های مناسب خود را نیابد و در میان مجموعه ای گسترده از موضوعات پژوهشی - قرآنی کمرنگ دیده شوند .

9. قلمرو سؤالات و شباهت قرآنی، از تحلیل و متنی دقیق برخوردار نیست. اینک در سطح ملی و فراملی، پرسش ها و شباهت چه طبقه بندی را دارند؟ گستره و دامنه آن چه ابعادی دارد؟ نظام موضوعات آن چگونه است؟ و ...

10. در ترجمه قرآن به زبان های خارجی، پیشرفت هایی رخ نموده اند. اما هنوز آغاز راه است. ترجمه به زبان فارسی (به رغم الفت و ارتباطی که این زبان، با زبان قران دارد و عوامل و نکات دیگر هنوز در میانه راه می نماید. با این واقعیت تردید ناپذیر می توان در مورد دیگر ترجمه ها به زبان های خارجی حدس و داوری داشت و بر ضرورت تکمیل و تصحیح تأکید مضاعف کرد .

11. مباحث میان رشته ای در قلمرو قرآن با علوم و دانش های روز، هنوز در نقطه های تکوین می نماید. در این مقوله، هم در مبادی و روش یابی و هم در مطالعات اصلی کارهای بایسته، بس فراوانند و همتی سنگین را بر می تابند .

12. نظریه پردازی در حوزه علوم و معارف قرآن، تعریف و جایگاه خود را نیافته است. بخش در خور توجهی از مطالعات قرآنی، در سطح تکمیل و تصحیح گزاره های دانشی در علوم و معارف قرآن هستند. اما در سطح نظریه پردازی (که در لایه های عمیق گزاره های دانش پنهان است) چندان تکاپوی جدی دیده نمی شود. اندک کاوشهای نظریه پردازانه نیز در حجم انبوه آثار قرآنی پنهان می مانند و مورد توجه، ارزیابی و نقادی قرار نمی گیرند.

موارد یاد شده و ده ها نکته دیگر، افق دید را باز می نمایند؛ اینکه با تمامی همت ها و اقدامات، هنوز در گام های آغازین قرار داریم، و اگر قله قرآن پژوهی دست نیافتنی می نماید، هنوز تا دامنه و میانه راه نیز فاصله بس بسیار است.